



دانشگاه باقر العلوم  
(عصر دولتی - عصر فتنه)

دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»  
دانشکده: تاریخ و مطالعات سیاسی  
رساله برای اخذ درجه دکتری  
رشته: علوم سیاسی  
گرایش: اندیشه سیاسی

عنوان

## بایسته‌های مهندسی فقه سیاسی شیعه

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری

نگارش:

علی اصغر نصرتی

دی ۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم  
(عصر دومین - عصر نخستین)

دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: تاریخ و مطالعات سیاسی

رساله برای اخذ درجه دکتری

رشته: علوم سیاسی

گرایش: اندیشه سیاسی

عنوان

## بایسته‌های مهندسی فقه سیاسی شیعه

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری

نگارش:

علی اصغر نصرتی

۱۳۹۴

## تقدیم

تقدیم به دو امام معنابخش به فقه سیاسی شیعه:

امام روح الله خمینی (ره)، که زمینه ساز تحقق شریعت در کسره نظام سیاسی گردید.

امام سید علی خامنه ای (حفظه الله)، که مجاهدانه زمینه های تحقق تمدن نوین اسلامی را مهیاء ساخت.

و ثواب این عمل ناخیر را به روان والدینم، که محیط و آداب زندگی دینی را برایم فراهم ساختند، خالصانه اهدا می نمایم.

## تقدیر و سپاس:

از استاد دانشمند جناب آقای دکتر میر احمدی که راهنمایی همراه با بزرگواری ایشان انجام این تحقیق را به سر رساند

از استاد فرزانه آیه الله میر باقری که در هر گفت و گو باب جدیدی از معرفت به موضوع، برایم گشوده می شد

از همسر و فرزندانم که در دوران نسبتاً طولانی انجام کار صبورانه پشتیبان و همراهم بودند

و از همه عزیزانی که به هر طریق مرایاری نمودند

## چکیده

فقه سیاسی، نرم افزار اداره نظام اسلامی، با محوریت ولایت فقیه و مبتنی بر شریعت، است. لکن با وجود رویکرد رهبران انقلاب، حضرت امام و مقام معظم رهبری، بر ضرورت بازنگری در فقه و رساندن آن به مرتبه ای که نیازهای فقهی حکومت اسلامی و تمدن اسلامی را پشتیبانی کند، و تلاش دیگر فقیهان و اندیشمندان هنوز خلأ فقه سیاسی بایسته به چشم می خورد و نظام اسلامی از بابت ساماندهی رفتار مؤمنانه جامعه و نظام مبتلا به اضطراب است. در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب، لزوم تحول در فقه سیاسی بیش از پیش آشکار می شود. این تحول مستلزم نقشه راه و طرح همه جانبه ای است، که مجال پژوهشی وسیع تر و سازمانی را طلب می کند. اما آنچه در این رساله بدان پرداخته شده است بسان درآمدی بر نقشه راه مهندسی فقه سیاسی است و بایسته های مهندسی فقه سیاسی را در زمینه رویکرد و روش مورد توجه قرار داده است. مفروض رساله حاضر این است که تحول در دانش ها و در اینجا فقه سیاسی، مهندسی پذیر است و اراده و گرایش صاحب نظران و محققین در نتایج پژوهش علمی مؤثر است. بر این اساس، در یک مبحث رویکرد های موجود به تحول فقه سیاسی بررسی شده و رویکردی که واجد چنان ظرفیت هایی است که می توان با آن به مهندسی فقه سیاسی پرداخت، رویکرد تکامل اراده های اجتماعی، مورد توجه و بیان ویژگی ها قرار گرفته است. در مبحث دیگر؛ با بیان مشخصات روشی سایر رویکردهای مهم، ویژگی ها و بایسته های روشی فقه تکامل اراده های اجتماعی؛ از دو منظر، استنباط و روش تحقق مهندسی فقه سیاسی اشاره شده است. سرانجام در چشم انداز این رویکرد، کارکردهای مورد انتظار از فقه سیاسی بیان شده است.

واژگان کلیدی: فقه سیاسی / مهندسی فقه سیاسی / فقه حکم و موضوع / فقه نظام سازی /

فقه تکامل اراده های اجتماعی

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
۱. بیان مسأله	۱
۲. سؤال اصلی و سؤال‌های فرعی	۳
۳. هدف و ضرورت تحقیق	۳
۴. پیشینه تحقیق	۴
۵. چارچوب نظری تحقیق	۶
۶. فرضیه تحقیق	۶
۷. روش تحقیق	۷
۸. جنبه‌های نوآوری تحقیق	۸
۹. مشکلات و موانع تحقیق	۸
۱۰. سازمان دهی تحقیق	۹
<b>فصل اول: مفاهیم و چارچوب نظری</b>	۱۰
گفتار اول: مفاهیم	۱۱
۱. فقه	۱۱
۲. سیاست:	۱۶
۱-۲. سیاست شیطانی	۱۹
۲-۲. سیاست مادی	۲۰
۳-۲. سیاست اسلامی	۲۰
۳. فقه سیاسی	۲۲
۴. شریعت:	۲۴

۲۵.....	۵. حکم شرعی.....
۲۶.....	۵-۱. حکم تکلیفی.....
۲۶.....	۵-۲. حکم وضعی.....
۲۶.....	۵-۳. حکم مولوی.....
۲۷.....	۵-۴. حکم ارشادی.....
۲۷.....	۵-۵. حکم حکومتی.....
۳۳.....	گفتار دوم: مهندسی فقه سیاسی به مثابه چارچوب نظری.....
۳۳.....	۱. چرایی مهندسی فقه سیاسی.....
۳۸.....	۲. چیستی مهندسی فقه سیاسی.....
۳۹.....	۲-۱. مفهوم دانش.....
۳۹.....	۲-۲. مهندسی.....
۴۰.....	۲-۳. مهندسی دانش.....
۴۲.....	۲-۴. مهندسی فقه سیاسی.....
۴۳.....	۳. چگونگی مهندسی فقه سیاسی.....
۴۵.....	جمع بندی و نتیجه گیری فصل اول:.....
۴۸.....	<b>فصل دوم: بایسته‌های بینشی مهندسی فقه سیاسی.....</b>
۴۹.....	گفتار اول: گزارش رویکردهای موجود به فقه و توسعه فقه سیاسی.....
۴۹.....	۱. رویکرد فردی و سنتی فقه.....
۵۰.....	۱-۱. ویژگیهای رویکرد فقه سنتی.....
۵۰.....	۱-۱-۱. نوع نگاه به دین.....
۵۲.....	۱-۱-۲. نگاه به فقه.....
۵۴.....	۱-۲. بررسی آثار و پی آمدهای این رویکرد.....
۵۴.....	۱-۲-۱. ساختارگرایی و عدم انعطاف در مواجهه با موضوعات پیچیده اجتماعی.....
۵۷.....	۱-۲-۲. ناتوانی از تأسیس مدل فرهنگی - اقتصادی اسلام.....



- ۱-۲-۳. ناتوانی از تأسیس مدل کارشناسی اسلامی..... ۵۹
۲. رویکرد اجتماعی فقه..... ۶۱
- ۱-۲. ۱-۱-۲. لوازم توسعه فقه فردی به اجتماعی..... ۶۲
- ۱-۲-۱-۱. توسعه در مأموریت فقه..... ۶۲
- ۱-۲-۱-۲. توسعه در احکام فقه..... ۶۴
- ۱-۲-۳. توسعه در موضوعات فقهی..... ۶۵
- ۱-۲-۴. توسعه در منابع..... ۶۶
- ۱-۲-۵. توسعه در روش استنباط فقه..... ۶۷
- ۱-۲-۶. نظریه پردازی فقه..... ۶۷
- ۲-۲. نمونه شاخص رویکرد اجتماعی به فقه (فقه نهادها و نظامها)..... ۶۸
۳. رویکرد حکومتی به فقه..... ۷۱
- ۱-۳. ۱-۱-۳. لوازم تحول فقه اجتماعی به فقه حکومتی..... ۷۲
- ۱-۳-۱-۱. توسعه در مأموریت فقه..... ۷۲
- ۱-۳-۱-۲. توسعه در احکام فقهی..... ۷۲
- ۱-۳-۱-۳. توسعه در موضوعات فقهی..... ۷۲
- ۱-۳-۴. توسعه در منابع فقه..... ۷۳
- ۱-۳-۵. توسعه در روش استنباط فقه..... ۷۴
- ۲-۳. نمونه‌های شاخص رویکرد حکومتی به فقه..... ۷۴
- گفتار دوم: بررسی رویکردهای اصلی به توسعه فقه..... ۷۹
۱. رویکرد فقه حکم و موضوع..... ۷۹
- برداشت اول: فقه پاسخگویی به مسائل و مبتلابات حکومت دینی..... ۷۹
- برداشت دوم: فقه ناظر به کارآمدی و مقام اجرای حکومت دینی..... ۸۲
- برداشت سوم: فقهی با رویکرد حکومتی..... ۸۵
۲. رویکرد فقه نظام‌سازی..... ۸۸
- ۱-۲. چرایی نظریه نظام‌سازی..... ۸۸

- ۲-۱-۱. خلأها و ناكارآمدی های فقه موجود در اداره نظام..... ۸۸
- ۲-۱-۲. وجود و گسترش نظام های اقتصادی سوسیالیستی و کاپیتالیستی  
مادی..... ۸۹
- ۲-۱-۳. جامعیت و کمال اسلام برای اداره حیات اجتماعی..... ۹۰
- ۲-۲. چیستی و ویژگی های فقه نظام سازی..... ۹۱
- ۲-۲-۱. ظهور نظام در قالب مکتب..... ۹۱
- ۲-۲-۲. اکتشافی بودن نظام..... ۹۲
- ۲-۲-۳. تفکیک مکتب از علم..... ۹۲
- ۲-۲-۴. تفکیک مکتب از اخلاق..... ۹۴
- ۲-۲-۵. نظام سازی ناظر به منقطه الفراغ..... ۹۵
- ۲-۲-۶. فقه نظام، فقه تکالیف جمعی..... ۹۶
- ۲-۲-۷. قالب قانونی فقه نظام..... ۹۶
- ۲-۲-۸. فقه نظام ساز، فقه کلان است..... ۹۷
- ۲-۳. کاستی های فقه نظام در اداره نظام اسلامی..... ۹۷
- ۲-۳-۱. اصالت قانون و نظام..... ۹۸
- ۲-۳-۲. تخصیص منطقه الفراغ به حکومت..... ۹۹
- ۲-۳-۳. جدایی بین علم و مکتب..... ۹۹
- ۲-۳-۴. نظریه ای واکنشی..... ۹۹
- ۲-۳-۵. تفکیک مکتب اقتصادی با اخلاق اقتصادی..... ۱۰۰
- ۲-۳-۶. اکتشاف مکتب..... ۱۰۰
- ۲-۳-۷. ناتوانی از سرپرستی تغییرات..... ۱۰۱
- گفتار سوم: بایسته های رویکردی مهندسی فقه سیاسی..... ۱۰۲
۱. ضرورت رویکرد تکامل گرا به فقه سیاسی..... ۱۰۲
- ۱-۱. مواجهه تمدنی..... ۱۰۲
- ۱-۲. ارتقاء موضوع مبتلابه فقه سیاسی به سطح ولایت و تکامل..... ۱۰۳

- ۱-۳. به اقتضای کارکرد حکومت..... ۱۰۴
- ۱-۴. به اقتضای ابعاد و مکانیزم تکامل اجتماعی..... ۱۰۵
۲. ویژگی‌های رویکرد بایسته فقه سیاسی از منظر امام خمینی (ره)..... ۱۰۷
- ۲-۱. اصالت حکومت نسبت به احکام..... ۱۰۷
- ۲-۲. حکومت به مثابه حکم اولیه اسلام..... ۱۰۸
- ۲-۳. هدف عالی حکومت، تحقق عدالت و توحید..... ۱۰۸
- ۲-۴. فلسفه غدیر، باطن حکومت در سیاست اسلامی..... ۱۰۹
- ۲-۵. گستره عدالت و هدف حکومت..... ۱۰۹
- ۲-۶. حکومت، زمینه ساز تحقق اسلام در شرایط متغیر..... ۱۱۰
- ۲-۷. فقه حکومتی، قاعده مند سازی احکام صادره از حاکم اسلامی..... ۱۱۲
- ۲-۸. ویژگیهای فقیه در رویکرد فقه حکومتی امام خمینی..... ۱۱۴
- ۲-۹. اصالت حاکم نسبت به حکم..... ۱۱۵
۳. ویژگی‌های رویکرد بایسته فقه سیاسی از منظر آیت الله خامنه‌ای..... ۱۱۵
- ۳-۱. آمیختگی دین و سیاست..... ۱۱۵
- ۳-۲. عبور از فقه فردی به فقه همه جانبه اجتماعی..... ۱۱۶
- ۳-۳. لزوم افق گشایی فقه نسبت به الگوی اداره ساختاری نظام اسلامی..... ۱۱۶
- ۳-۴. لزوم توسعه تفقه..... ۱۱۷
- ۳-۵. حضور فقه سیاسی در عرصه مقررات اداره زندگی..... ۱۱۷
- ۳-۶. نظام اسلامی، زمینه ساز تکامل..... ۱۱۸
- ۳-۷. فقه سیاسی، ناظر به موقعیت اسلام در مسند قدرت..... ۱۱۹
۴. ویژگی‌های رویکرد فقه سیاسی تکامل‌گرا..... ۱۱۹
- ۴-۱. ارتقاء مقیاس تفقه به احکام اجتماعی و حکومتی، تمدنی و تاریخی..... ۱۲۰
- ۴-۲. هماهنگی سه حوزه تفقه، معادله و مدل..... ۱۲۰
- ۴-۳. موضوع فقه تکامل‌گرا، جامعه در حال تغییر..... ۱۲۱
- ۴-۴. مأموریت فقه تکاملی، سرپرستی کل متغیر در سطوح «جهت‌گیری،

- مقومات و تناسبات» اجتماعی..... ۱۲۲
- ۴-۵. دین حداکثر، پایه‌ای‌ترین رکن این نظریه..... ۱۲۵
- ۴-۶. شمولیت قلمرو شریعت بر سه حوزه نقل و عقل و حس..... ۱۲۵
- ۴-۷. عقل متعبد، واسط ارزش و دانش در رویکرد تکامل‌گرایی..... ۱۲۶
- ۴-۸. امکان جریان طاعت و عصیان در حوزه اندیشه بشری..... ۱۲۷
- ۴-۹. عرف دینی، شاخص توسعه تعبد در تمامی حوزه‌ها..... ۱۲۸
- ۴-۱۰. رویکرد فقه تکاملی، بیانگر احکام نظام ولایت و تولی اجتماعی..... ۱۲۹
- ۴-۱۱. پیامد این رویکرد، تئوری بسط توحید و جریان ولایت حقه در منزوی کردن شرک و بت پرستی..... ۱۲۹
- ۴-۱۲. شاخص اصلی اسلامیت جامعه، حفظ «جهت» در مبارزه با جبهه کفر. ۱۳۰
- ۴-۱۳. «نظام گرایشات، نظام عقلانیت و نظام عملکرد اجتماعی»، سه بعد جامعه ۱۳۰
- ۴-۱۴. مدیریت میل و نفرت اجتماعی؛ عمیق‌ترین لایه تصرف فقه تکاملی در جامعه متغیّر..... ۱۳۱
- ۴-۱۵. تکامل تولی روحی، مبداء تکامل عقلانیت..... ۱۳۲
- جمع بندی و نتیجه‌گیری فصل دوم:..... ۱۳۳
- فصل سوم: بایسته‌های روشی مهندسی فقه سیاسی**..... ۱۳۵
- گفتار اول: بررسی مختصات روشی فقه فردی یا فقه حکم و موضوع..... ۱۳۷
۱. نمونه‌هایی از مسائل مهم، ولی مغفول در فقه موجود..... ۱۵۳
- ۱-۱. مسائل اقتصادی نوپدید..... ۱۵۳
- ۱-۲. معاملات و مبادلات اقتصادی پیچیده..... ۱۵۴
- ۱-۳. مسائل مربوط به پول و بانکداری..... ۱۵۴
- گفتار دوم: بررسی مختصات روشی فقه نظامات..... ۱۶۲
- گفتار سوم: بایسته‌های روشی فقه تکامل اراده‌های اجتماعی..... ۱۷۴
۱. مختصات روشی فقه تکامل‌گرا..... ۱۷۴
۲. توسعه و تکامل اجتهاد..... ۱۸۱

- ۱۸۲..... ۱-۲ اصلاح روش موضوع‌شناسی
- ۱۸۴..... ۲-۲ تکمیل روش تفقه
- ۱۸۵..... ۳-۲ سطوح و مراحل تفقه
- ۱۸۵..... ۱-۳-۲ پژوهش‌های اسنادی
- ۱۸۷..... ۲-۳-۲ پژوهش‌های استنادی
- ۱۸۸..... ۳-۳-۲ پژوهش‌های اسنادی
- ۱۸۹..... ۴-۲ ایجاد سازمان مناسب تصمیم‌گیری
- ۱۹۱..... جمع بندی و نتیجه گیری فصل سوم:

### ملاحظات پایانی: شامل؛ الزامات کارکردی مهندسی فقه سیاسی، جمع بندی و نتیجه

گیری..... ۱۹۵

۱. بایسته‌ها و الزامات کارکردی مهندسی فقه سیاسی..... ۱۹۵

۲. جمع بندی و نتایج نهایی..... ۲۰۰

۳. پیشنهادات..... ۲۰۹

فهرست منابع..... ۲۱۱

الف: منابع فارسی و عربی..... ۲۱۱

ب: منابع لاتین..... ۲۳۱

## فهرست نمودارها و جدول‌ها

نمودار ۱-۲: ابعاد و عناصر اصلی دین.....	۵۱
نمودار ۲-۲. ابعاد جامعه .....	۱۰۶
نمودار ۳-۱: الزامات تحول فقه.....	۱۳۶
نمودار ۳-۲: نظام ولایت الهی.....	۱۷۸
جدول ۱: مناسبات تکامل اجتماعی.....	۱۹۶
جدول ۲: کارکرد فقه سیاسی با رویکرد سرپرستی.....	۱۹۹

## مقدمه

### ۱. بیان مسأله

فقه شیعه، که آگاهی و علم به فروع دینی و استنباط وظایف فردی و اجتماعی انسان از مجموعه متون دینی است، به اهتمام فقهای بزرگوار، منبعی غنی از مقررات اداره زندگی مردم است. به تبع فقه، فقه سیاسی نیز گرایش علمی بینا رشته‌ای است که تأمین کننده آیین و برنامه حیات سیاسی بشر است، که البته دامنه‌ای بس وسیع و عمقی به عمق حیات انسان دارد و در ترابط با دانش‌هایی مانند فلسفه سیاسی اسلام، کلام سیاسی اسلام، عرفان سیاسی اسلام، علم سیاست اسلامی، اخلاق و سایر دانش‌های اسلامی منبع تئوریک نظام اسلامی، و در سطحی فراتر، تمدن اسلامی است.

فقه سیاسی در اداره نظام سیاسی و نگاه به آینده نیز بایستی افق‌های دور و روشنی را ترسیم کند. تأمین احکام، قوانین و تجویزهای ناظر به عرصه‌های مختلف جامعه، نظام و تمدن اسلامی از جمله انتظاراتی است که پیش روی فقه سیاسی قرار دارد.

نیازهای حال و آینده جامعه اسلامی اقتضا می‌کند که با شتاب و عمق فزون تری به فقه سیاسی ناب و آراسته‌ای برسیم و بر اساس آن و در تعامل با سایر علوم اسلامی آماده الگو سازی در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و سامان بخشی به تمدن اسلامی بشویم، لیکن در شرایط فعلی، فقه سیاسی، آنچنان که شایسته و بایسته است در جایگاه خودش قرار ندارد.

برای رسیدن فقه سیاسی به سطح و افقی که متناسب با جایگاه خود، نیازها و مسایل مبتلا به نظام، جامعه و تمدن اسلامی را ببیند، بشناسد، دغدغه پاسخگویی به نیازها و حل مسایل و مشکلات را داشته باشد و ظرفیت و استعداد پاسخگویی و حل مسایل را پیدا کند، و علاوه بر آن برای راهبری به سوی تعالی نقشه و برنامه داشته باشد، می‌توان از رویکرد تحول در ساختار و شاکله دانش استفاده کرد که مستلزم تحول اساسی در بینش، پیش فرض‌ها و

مبانی نظری و روش است که در این پژوهش از آن به عنوان مهندسی فقه سیاسی یاد شده است.

منظور از مهندسی دانش، و مصداقاً در اینجا مهندسی فقه سیاسی؛ تغییر جزئی در اجزای درونی فقه سیاسی، همچنین تأسیس مطلق نیز نخواهد بود. بلکه مراد آن است که، برای باز سازی فقه سیاسی و رساندن آن به سطح مطلوب، از رویکردی [که در آن اهداف، فرایند و مراحل رسیدن به هدف، شالوده‌ها و مبانی، منابع و نقشه مند بودن] اعم از نقشه دانش خاص و جایگاه آن در نقشه کلان علوم، کارآمدی و انتظارات از فقه سیاسی مورد لحاظ قرار گرفته باشد] تحت عنوان مهندسی یا تحول اساسی در ساختار و شاکله دانش، استفاده می‌شود.

تا کنون برخی تلاش‌ها و تحلیل‌هایی در توسعه فقه سیاسی به عمل آمده و بعضاً در صدد توسعه و بکارگیری آن برای حل مسایل جامعه بوده اند. (همچون ۱. توسعه از فقه احکام به فقه نظریه‌ها ۲. توسعه از احکام تکلیفی به احکام ارزشی و توصیفی ۳. توسعه از فقه احکام فردی به فقه نهادها ۴. توسعه از فقه گزاره‌ها به فقه نظام‌ها ۵. توسعه از فقه حفظ وضع موجود به فقه توسعه ۶. توسعه از فقه امتثال به فقه اداره ۷. توسعه از فقه فردی به فقه حکومتی ۸. توسعه از فقه تکلیف به فقه تدبیر<sup>۱</sup> ۹. توسعه به فقه مصلحت) هر کدام از رویکردهای مذکور در بر دارنده نکات مثبت و لازمی است که نباید از آنها صرف‌نظر کرد اما هر کدام از آنها (به عنوان تنها رویکرد تحول در فقه سیاسی) ضعف‌ها و کاستی‌هایی دارند که در متن رساله تفصیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما اجمالاً باید گفت که رویکرد انتخابی ما (فقه سرپرستی تکامل اراده‌های اجتماعی)، جامع همه‌ی آن رویکردها بوده که ضمن بهره مندی از ظرفیت‌های آنها جایگاه فقه را علاوه بر فرد به سطح جامعه، نظام و تمدن اسلامی ارتقاء می‌دهد.

تلاش در جهت سامان دهی دانشی به فقه سیاسی، گامی در جهت تکمیل نقشه حکومت دینی و ولایی است. این دغدغه با عنوان "بایسته‌های مهندسی فقه سیاسی" موضوع پژوهش قرار گرفته است و به نظر می‌آید که می‌تواند خلاء موجود در این زمینه را پر نماید و البته این

---

۱. حیات سیاسی مؤمنانه آن گونه حیات سیاسی است که برخوردار از تدبیری مؤمنانه است و این تدبیر مؤمنانه از طریق فقه سیاسی حاصل می‌گردد. (منصور میراحمدی، فقه سیاسی، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۹۵، ص ۳۵)



تحقیق یکی از اقدامات متعددی است که باید صورت پذیرد و خود پایه‌ای برای نقد و بررسی توسط صاحب نظران و به تبع موجب ارتقاء این بخش از دانش فقه خواهد شد.

بنا بر این این تحقیق با توجه به رویکرد مهندسی فقه سیاسی، نگاه درجه دومی به فقه سیاسی داشته و بایسته‌ها و الزامات بکارگیری این رویکرد را در ابعاد مختلف فقه سیاسی از قبیل الزامات؛ بینشی (متوجه مبانی و نقشه کلی فقه سیاسی)، روشی (ناظر به روش تحقیق و استنباط و روش ایجاد تحول در فقه سیاسی) و کارکردی (ناظر به بروندهای فقه سیاسی) مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهد.

## ۲. سؤال اصلی و سؤال‌های فرعی

مهندسی فقه سیاسی، در جهت ارتقای جایگاه فقه سیاسی به سطح مدیریت تکامل اراده‌های اجتماعی، چه الزامات و بایسته‌هایی در پی دارد؟

برای رسیدن به پاسخ تفصیلی این پرسش، لازم است پاسخ چند سؤال فرعی زیر روشن شود:

۱. مهندسی فقه سیاسی چیست و چه ابعادی دارد؟ (مشخصه‌ها، مراحل و روش)
۲. بایسته‌های بینشی مهندسی فقه سیاسی چیست؟
۳. بایسته‌های روشی مهندسی فقه سیاسی چیست؟
۴. بایسته‌های کارکردی مهندسی فقه سیاسی چیست؟

## ۳. هدف و ضرورت تحقیق

هدف از این تحقیق ایجاد تحول و بالندگی در فقه سیاسی، برای تأمین پشتوانه نرم افزاری جامعه، نظام و تمدن اسلامی، در زمینه احکام و قوانین ناظر به هدایت و راهبری و پاسخگویی به نیازهای انسان و جامعه، توسط حکومت اسلامی است.

از آنجا که با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی هنوز از فقه سیاسی مورد انتظار بی بهره ایم، این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد. چون ریشه بسیاری از مشکلات به وجود آمده در جامعه اسلامی ناشی از فقدان منبعی قابل اعتماد از احکام و قوانین الهی در عرصه حکومت

و حیات اجتماعی انسان است، که با توجه به شریعت محور بودن جامعه و نظام اسلامی، بازتولید فقه سیاسی می‌تواند این خلأ را پر نماید.

#### ۴. پیشنهاد تحقیق

تا دوره اخیر، بدون آنکه سخنی از فقه سیاسی در میان باشد، فقیهان پاسخگو و راهگشای حل مشکلات جامعه اسلامی در زمینه‌های اجتماعی و حکومتی بودند. و در دوره‌هایی که در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشته اند اقدام به صدور فتاوا و تنظیم رساله‌هایی با موضوعات سیاسی اجتماعی چون جهاد، قضاء و ولایت نموده اند. لکن پس از اقامه نظام سیاسی اسلام با محوریت ولی فقیه، بویژه با پیچیدگی و نوپیدگی بسیاری از موضوعات و مسایل مبتلابه جامعه و حکومت اسلامی، این نیاز برجسته شد و بیشتر خود را نمایان ساخت که فقه رایج برای اداره جامعه و حکومت در سطح مورد انتظار کافی نیست و لزوم تنظیم شاخه‌ای تخصصی از فقه با عنوان فقه سیاسی (که با توجه به اهمیت، دامنه و گستره موضوعی در مستوای یک دانش قابل طرح است) روز به روز بیشتر نمایان شد.

این نتیجه‌ای است که نگارنده ضمن دو فعالیت پژوهشی خود یکی تحت عنوان "تمایزات فقه و فقه سیاسی"، که نشست‌های دهگانه‌ای با اهل اندیشه و تحقیق در این زمینه بود و دیگری با عنوان "فقه سیاسی و جهانی شدن"، که تأثیرات و چالش‌های جهانی شدن (جهانی سازی) را بر فقه سیاسی و مؤلفه‌های دانشی و کارکرد آن، و نیز ظرفیت‌های فقه سیاسی برای حضور فعال و نقش آفرین در عصر جهانی شده را بررسی می‌کند، به دست آورده است، مضافاً بر اینکه تمرکز حوزه پژوهشی خود را بر فلسفه فقه سیاسی و حوزه درجه دومی فقه سیاسی و نیز دغدغه اصلی خود را بر تحول دانشی این دانش یا دانشواره قرار داده است. و نیز آثاری مثل آثار ذیل در این حوزه فقه سیاسی تلاش علمی مرتبطی نموده اند.

- الفقیه والدوله: تطور الفقه السياسي الشيعي: بحث فقهي - تاریخی؛ فواد ابراهیم
- اصول فقه حکومتی؛ رضا اسلامی
- سیر تطور فقه سیاسی شیعه؛ کمال اکبری
- احکام حکومتی: چرایی، چیستی، چگونگی؛ اسماعیل پرور

• تحول روش شناختی در فقه سیاسی شیعه؛ فصلنامه شیعه شناسی، سال ۸، شماره ۲۹  
سید صادق حقیقت

• فقه سیاسی شیعه سازوکارهای تحول در دوران معاصر؛ سید کاظم سید باقری

• فقه سیاسی اسلام؛ ابوالفضل شکوری

• درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه؛ سعید ضیائی فر

• فقه سیاسی؛ عمید زنجانی، عباسعلی

• درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی؛ سید مهدی میرباقری و یحیی عبداللہی

• درس گفتارهایی در فقه سیاسی؛ منصور میر احمدی و دیگران

• فقه سیاسی؛ منصور میر احمدی

• ملاحظاتی بر چالش‌های فقه سیاسی؛ منصور میر احمدی

• نقدنگرش‌های حداقلی به فقه سیاسی؛ سیدسجادایزدهی

• اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی؛ علی اکبر علیخانی

نگاه مجموعی به این آثار و سایر آثار در این حوزه (همچون رویکردهای یاد شده در تبیین موضوع) مؤید این نتیجه هستند که فقه عمومی و رایج، فقه اداره موضوع است، نه فقه اداره نظام و تکامل اراده‌های اجتماعی. برای اداره نظام، تمدن و جریان تکامل اراده‌های اجتماعی بار دیگر باید فقه را از ابتدا تا انتها باز خوانی و به اعتبار صحیح تر، بازسازی (بازتولید) کرد. یعنی فقیه با رویکرد سیاسی و سرپرستی تکامل اراده‌های اجتماعی، فقه را مورد پرسشگری قرار داده و احکام و قوانین لازم را استخراج نماید. سرانجام که منظومه‌ای کامل از احکام اداره نظام فراهم شد در یک بسته تحت عنوان فقه سیاسی و حکومتی بایسته و مطلوب قابل تعریف است، که البته مسیر طبیعی تولید دانش همین است. لکن وقتی نظام سیاسی با داعیه اداره امور مسلمین بر طبق شریعت، اقامه شده است، انتظار می‌رود راهی، نه چندان دور و دست نیافتنی، پیدا شود تا امور حکومت اسلامی و نوپا، بدون قوانین و احکام اداره نماند. و آن، تلاش برای ساماندهی به فقه سیاسی مطلوب (در سطح مؤلفه‌های فلسفه علم) است که در این تحقیق مؤلفه‌های بینشی و روشی آن دنبال می‌شود.

## ۵. چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری، مجموعه‌ای از گزاره‌ها است که باید به لحاظ نظری قادر به تبیین و طبقه بندی متغیرهای تحقیق باشد و ما را از ابتلا به حدس و گمان‌های بی پایه مصون دارد. برخی از این گزاره‌ها دستاوردهای علمی تولید شده و تجربیات انباشته از پیشینیان است. در این رساله، این گزاره‌ها که شامل تعریف و مشخصات الگوی مهندسی، مدیریت دانش و تعاریف و کاربردهای فقه سیاسی است، استفاده می‌کنیم. و آنچه خود، متناسب با مجموعه‌ای که بنا هست بسازیم و از آن کاربرد جدید بگیریم، بر آن می‌افزاییم، مفاهیم و نسبت‌های جدیدی است، شامل؛ ترکیب «مهندسی فقه سیاسی» که جای دیگری بکار گرفته نشده است.

جهت بارگذاری مفهوم برای مهندسی فقه سیاسی از یک سو با بهره گیری از الگوی مهندسی، که در گفتار کلیات، کارویژه‌های آن بیان شده، برخی ویژگی‌هایی از آن گرفته شده است. و نیز از سوی دیگر، خصوصیات از مهندسی دانش و از مدیریت دانش، وام گرفتیم، و از سرجمع آنها، مهندسی علم، به مثابه جریان توسعه، تولید و ارتقای سطح دانش، نتیجه گیری شده و یکی از پایه‌های چارچوب نظری قرار داده شده است، به گونه‌ای که با بهره گیری از عنصر اختیار در تولید و توسعه دانش، مهندسی پذیری علم، و به تبع فقه را، برای ما قابل پذیرش نماید.

بنا بر این چارچوب مهندسی فقه سیاسی الگویی مفهومی و عملی در اختیار می‌گذارد که مبتنی بر آن فقه سیاسی، می‌تواند به توسعه و توانمندی لازم، جهت در اختیار گرفتن عنان راهبری فقهی نظام اسلامی و حیات اجتماعی مؤمنانه، برسد. این چارچوب نظری، سه بحث اساسی، چپستی، چرایی و چگونگی مهندسی فقه سیاسی، را دنبال می‌کند.

## ۶. فرضیه تحقیق

ارتقا، جایگاه فقه سیاسی در سطح مدیریت تکامل اراده‌های اجتماعی، با رویکرد مهندسی، مستلزم سه دسته بایسته شامل بایسته‌های بینشی، روش و کارکردی است. در این